ادامه از صفحه اول

پیشنهاد تأسیس صندوق خسارت سوانح طبیعی

در اصل بیست‌ونهم قانون اساسی حوادث و سوانح جزء تأمین اجتماعی کشور دانسته شده و برخورداری از آن را حقی همگانی می‌دانند؛ این اصل دولت را مکلف به تدوین قوانینی کرده است که از محل درآمدهای دولت و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات پیش‌گفته را به مردم ارائه دهد. قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی کشور، نظام تأمین اجتماعی را در سه حوزه بیمه‌ای، امدادی و حمایتی تعریف کرده است. در حوزه بیمه‌ای حوادث و سوانح را قرار داده و در ماده سه این قانون ذیل اهداف و وظایف حوزه بیمه‌ای در بند هـ - گسترش بیمه‌های خاص، جبران خسارت ناشی از حوادث طبیعی از قبیل سیل، خشک‌سالی، زلزله و توفان درج شده و در بندهای قانون، دولت و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف به اجرای اهداف و وظایف بیمه‌ای شده‌اند.

از سوی دیگر، گزارش‌های رسمی از واقعه سیل اخیر نشان می‌دهد به‌جز خسارت‌های استان خوزستان، تا به حال ۱۵۲ هزار واحد مسکونی در شهرها و روستاهای سیل‌زده آسیب دیده‌اند که از این تعداد، ۵۲ هزار واحد قبلا از سوی ۱۹ شرکت بیمه‌ای، بیمه خسارت شده‌اند. برای مثال، در گنبد، شهرداری ۲۶ هزار واحد مسکونی را برای بیمه خسارت هدایت کرده است. همچنین در آق‌قلا دوهزارو ۵۰۰ واحد مسکونی بیمه و ۱۰ روستایی که خسارت زیادی دیده‌اند، از سوی دهیاران عاقل و دوراندیش بیمه خسارت شده‌اند. در لرستان صد هزار واحد مسکونی و در خوزستان ۲۵۰ هزار واحد بیمه شده‌اند. در نتیجه یک‌سوم واحدهای ساختمانی خسارت‌دیده در استان‌های غیر از استان خوزستان بیمه شده‌اند. بیمه، مشارکت مردم برای خرید ریسک‌های آینده و نوعی مشارکت در برنامه‌ریزی سازگاری و مقابله با سوانح طبیعی است.

بیمه، کمک افراد نیست و از محل اعانات تأمین نمی‌شود، بلکه بیمه‌گذاران با اختیار خود را برای خرید ریسک‌های آینده به اشتراک می‌گذارند و زمان دریافت خسارت مطالبه‌گر هستند و با کرامت انسانی، خسارت‌های خود را از شرکت‌های بیمه دریافت می‌کنند. امید به تأمین بخش‌های مهمی از خسارت‌ها از سوی بیمه از نگرانی‌ها، شوک‌های ناشی از سوانح و ناامیدی ازدست‌دادن زندگی می‌کاهد و به امید برای ساختن مجدد زندگی و بازگشتن به چرخه دوباره حیات اجتماعی کمک می‌کند.

در دولت اصلاحات، صندوق بیمه خسارت‌های حوادث طبیعی طراحی و در دولت مطرح و به مجلس ارائه شد که با اتمام آن دولت به سرانجام نرسید. شاید اگر این صندوق بود، شورای عالی رفاه اجتماعی می‌توانست با گسترش و ایجاد شمولیت آن در استان‌های مختلف، تأمین‌کننده خسارت‌های مردم سیل‌زده و موجب آسایش خاطر ایشان و کاهش آلام هم‌وطنان شود.

دقیقا امروز می‌توانیم کاهش حکمروایی در به‌کارگرفتن اصل ۲۹ قانون اساسی و مواد قانون در ساختار نظام رفاه و تأمین اجتماعی را که بر اساس مشارکت مردم از طریق بیمه‌شدن در صندوق بیمه خسارت‌های طبیعی است، به‌عنوان مصداقی روشن از مدیریت دولت و فراتر از دولت مشاهده کنیم؛ امری که می‌توانست با بیمه‌شدن مردم در خسارت‌های سوانح طبیعی، تاب‌آوری جامعه و سرزمین ایران را مقابل سیل افزایش دهد.

نگارنده به‌عنوان یکی از علاقه‌مندان به توسعه و سعادت ملت ایران و با توجه به سوابق گذشته در بخش‌های رفاهی، بیمه‌ای و تأمین اجتماعی کشور، شرایط کنونی کشور را انگیزه مناسبی می‌دانم تا دولت در اسرع وقت برای تأسیس صندوق خسارت‌های سوانح طبیعی نزد بیمه مرکزی اقدام کرده و لایحه آن را با قید دوفوریت به مجلس ارائه کند.

مشخصات این صندوق می‌تواند چنین باشد که دولت دو هزار میلیارد تومان به‌عنوان سرمایه اولیه صندوق و هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان به‌عنوان سهم ۵۰درصدی دولت در یک سال پرداخت کرده و مردم نیز هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان به‌عنوان سهم خود پرداخت کنند. محاسبات بیمه‌ای نشان می‌دهد سهم بیمه‌گذاران از آنجایی که این نوع بیمه صرفا مشمول ساختمان و آن هم اعیان است نه عرصه یا زمین، سالانه به‌طور متوسط ۱۲۰ هزار تومان است که سهم ۵۰درصدی مردم، ماهانه پنج هزار تومان به‌عنوان بیمه پایه و در صورت دریافت خدمات بیشتر و مازاد هزینه‌های بیشتر پرداخت می‌شود. سازمان بیمه‌گر نیز می‌تواند در بیمه پایه بیش از ۳۰ میلیون تومان به واحدهای خسارت‌دیده پرداخت کند.

تأسیس صندوق بیمه خسارت‌های طبیعی، هم مردم را تا حدی از نگرانی‌های ناشی از حوادث طبیعی می‌رهاند و هم سهم دولت را از تأمین منابع آن و دست‌یازیدن به صندوق توسعه ملی به مسیری شناخته‌شده، انسانی‌تر و مدنی رهنمون می‌کند. دولت نیز می‌تواند برای تأمین سرمایه اولیه یا تأمین ۵۰درصدی سهم خود، به‌ازای هر بیمه‌گذار درصد کمی از قیمت بنزین را به این امر اختصاص دهد.

تعلل و سستی در تأمین این صندوق، سؤال جدیدی را مطرح می‌کند که چرا باید دولت و مجلس در حکمروایی حوادث طبیعی بمانند؟ آنچه در دولت نهم و دهم و دولت اول آقای روحانی گذشت، نشان می‌دهد دولت‌ها به وظایف قانونی خود در ایجاد تاب‌آوری سرزمینی، شهری و منطقه‌ای برای کاهش آلام و افزایش امید مردم به آینده در مقابل حوادث طبیعی عمل نمی‌کنند.

به دنبال اعلام لغو معافیت‌های نفتی قابل پیش‌بینی خواهد بود

شوک قیمت در بازار نفت

عکس: WP

ادامه از صفحه اول

تنها این قیمت نفت است که در انتخابات ۲۰۲۰ به پرزیدنت ترامپ کمک خواهد کرد تا رأی دوباره هدیه بگیرد.

شرایط بد برای عربستان و امارات

این کارشناس نفتی می‌افزاید: این شرایط عربستان و امارات را با اجبار به افزایش تولید، در شرایط بدی قرار خواهد داد. اکنون نیز نارضایتی کویت علنی شده است.

برکشلی با اشاره به اینکه مشکل اصلی ایران درحال‌حاضر مکانیسم‌های مالی برای دریافت پول نفت است، می‌افزاید: میزان عرضه را می‌توان جبران کرد، اما فقط حجم عرضه کافی نیست. کیفیت نفت در پنج سال اخیر که شیل وارد بازار شده، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در کنار آن، عرضه نیز شتاب بیشتری پیدا کرده است. درحال‌حاضر، ارتباط سال‌های قبل بین رشد اقتصادی و مصرف انرژی به سود نفت تغییر کرده است.

رئیس مرکز مطالعات انرژی وین ادامه داد: عربستان تولیدش را در ارتباط با توافق دسامبر ۲۰۱۸ اوپک و غیراوپک کم کرده و ۱۳۵ درصد پایبندی به توافق داشته است، اما این به نفع روسیه است. حتی در توافقی که در باکو انجام شد، به دلیل نامعلوم‌بودن آینده نفت و تحریم ایران، تصمیم باکو تا ۱۹ می به تأخیر افتاد تا تصمیم آمریکا درباره معافیت‌ها مشخص شود.

اجلاس سخت اوپک در ماه ژوئن

ایمان ناصری، مدیرکل خاورمیانه مؤسسه مشاوران بازار نفت و گاز FGE نیز در گفت‌وگو با «شرق» جزئیات بیشتری از تغییرات در بازار نفت در سایه لغو معافیت‌های نفتی ارائه می‌دهد: «بیانیه کاخ سفید نشان می‌دهد که معافیت‌های نفتی علیه ایران تمدید نمی‌شود و در واقع صادرات صفر را هدف‌گذاری کرده است. با این اوصاف، باید منتظر دو اتفاق باشیم».

او در توضیح این دو اتفاق می‌گوید: به نظر می‌رسد اجلاس بعدی اوپک در ماه ژوئن نشست دشواری خواهد بود؛ زیرا عربستان و امارات همکاری خود را با آمریکا در پوشش صادرات نفت ایران که از بازار خارج می‌شود، اعلام کرده‌اند؛ به این معنا که این دو باید با یکدیگر حدود یک میلیون بشکه در روز به تولید و صادرات فعلی خود اضافه کنند که با آنچه در شش ماه گذشته اتفاق افتاده و با توجه به دانسته‌های ناظران بازار از ظرفیت تولید این دو کشور، شدنی است، اما همیشه نیاز به یک ظرفیت مازاد در بازار وجود دارد؛ زیرا بازار باید یک درجه آرامش و اطمینان را در خود داشته باشد که در شرایط بحران در عرضه در تمام جهان، ظرفیت پوشش‌دهی داشته باشد.

پایان توافق‌نامه اوپک برای حفظ سقف تولید

او در ادامه با اشاره به کاهش ظرفیت مازاد با افزایش تولید نفت عربستان و امارات ادامه می‌دهد: با افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت عربستان و امارات در حدود یک میلیون بشکه، این ظرفیت مازاد خیلی کم خواهد شد. البته نکته مهم آن است که امکان رسیدن به اجماع و توافقی درباره تمدید یا تمدیدنشدن معافیت‌های نفتی ایران وجود نخواهد داشت؛ اینجا جایی است که ایران قطعا حاضر به همکاری با عربستان و امارات در یک گروه برای مدیریت بازار نفت نیست؛ زیرا آنها با آمریکا در مدیریت بازار نفت در راستای خروج نفت ایران از بازار مشارکت کرده‌اند که به معنای پایان توافق‌نامه اوپک برای حفظ سقف تولید خواهد بود. ناصری می‌افزاید: در صورت تمدیدنشدن توافق اوپک، کاهش تولید برای کشورهای دیگر، می‌تواند روند معکوسی یافته و خارج از توافق‌نامه افزایش یابد که همین امر نقش عربستان و امارات را کم می‌کند.

این کارشناس بین‌المللی نفت تصریح می‌کند: این رخداد به معنای قیمت‌های بالاتر برای نفت خواهد بود، مگر آنکه بقیه اعضای اوپک و روسیه، مقدار قابل توجه یا همه ظرفیت مازاد خود را بالفعل کنند که به این معناست که عربستان و امارات به‌ویژه عربستان نیازی نباشد که همه ظرفیت مازاد خود را استفاده کند تا کمی بازار را متعادل کرده و فضا را برای اتفاقات دیگر در بازار نفت باز نگه دارد؛ به‌ویژه آنکه اعضای نامطمئنی مثل لیبی، ونزوئلا و نیجریه در اوپک حضور دارند.

او با بیان اینکه این اتفاق قطعا قیمت‌های نفت را افزایش می‌دهد، ادامه می‌دهد: میزان این بالارفتن، بسیار وابسته به رفتار سایر بازیگران و نشست آینده اوپک است.

صادرات نفت ایران نصف می‌شود؟

ناصری با بیان اینکه چند سناریو در برابر ایران برای صادرات نفت وجود دارد، می‌گوید: در حال حاضر بر اساس برآوردها، صادرات نفت ایران بین یک تا یک میلیون و صد هزار بشکه در روز است. ایران می‌تواند در بدبینانه‌ترین حالت، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه بفروشد که آن هم با قاچاق امکان‌پذیر خواهد بود. در خوشبینانه‌ترین حالت هم چیزی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز صادرات خواهیم داشت. در بدترین پیش‌بینی، اگر ایران نتواند با خریداران به توافق برسد، ممکن است صادرات نفت ایران به صفر هم برسد که امری تقریبا ناممکن است.

به نظر می‌رسد اجلاس بعدی اوپک در ماه ژوئن نشست دشواری خواهد بود؛ زیرا عربستان و امارات همکاری خود را با آمریکا در پوشش صادرات نفت ایران که از بازار خارج می‌شود، اعلام کرده‌اند؛ به این معنا که این دو باید با یکدیگر حدود یک میلیون بشکه در روز به تولید و صادرات فعلی خود اضافه کنند که با آنچه در شش ماه گذشته اتفاق افتاده و با توجه به دانسته‌های ناظران بازار از ظرفیت تولید این دو کشور، شدنی است، اما همیشه نیاز به یک ظرفیت مازاد در بازار وجود دارد؛ زیرا بازار باید یک درجه آرامش و اطمینان را در خود داشته باشد که در شرایط بحران در عرضه در تمام جهان، ظرفیت پوشش‌دهی داشته باشد.

بودجه عمرانی، اولین قربانی کاهش درآمد نفتی

محمدتقی فیاضی، کارشناس اقتصادی، در پاسخ به این سؤال «شرق» که لغو معافیت‌های تحریمی نفت چه تأثیری بر بودجه کشور خواهد داشت، گفت: دولت در قانون بودجه سال جاری پیش‌بینی کرده است که ۱.۵ میلیون بشکه نفت صادر کند. اگرچه این امکان محتمل نیست، اما اگر تحریم‌های نفتی در عمل موفق باشد و صادرات نفت را صفر کند، به معنای حذف درآمد ۱۵۰ هزار میلیاردتومانی از محل صادرات نفت خواهد بود که دولت در قانون بودجه در نظر گرفته است. در صورت کاهش هر کسری از این مقدار صادرات نیز به همان میزان اثر را بر تحقق منابع بودجه و در نتیجه عدم تخصیص‌ها شاهد خواهیم بود. برای مثال اگر صادرات نفت ایران به ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش پیدا کند، با فرض اینکه قیمت نفت و ارز همان ارقامی باشد که در بودجه در نظر گرفته شده، درآمد نفتی دولت نیز یک‌سوم میزانی خواهد بود که در بودجه در نظر گرفته است. با این حال، اگر تحریم‌ها باعث کاهش صادرات نفت ایران شود و بازار جهانی را با تنش مواجه و قیمت نفت افزایش پیدا کند، یا دولت تصمیم بگیرد قیمت ارز را بالاتر از حدی که در محاسبات بودجه‌ای در نظر گرفته بود در نظر بگیرد، آنگاه خواهد توانست بخشی از این کاهش درآمد نفتی خود را جبران کند.

فیاضی در پاسخ به این سؤال «شرق» که در صورت کاهش درآمدها، دولت احتمالا از کدام بخش هزینه‌های خود خواهد کاست، گفت: اولین بخش از مصارف بودجه که دولت احتمالا روی آن دست خواهد گذاشت، بودجه عمرانی کشور است چون بودجه عمرانی معارضان کمتری دارد و تنش‌های حذف و کاهش آن قابل مقایسه با حواشی و اثرات کاهش و حذف حقوق و مزایا نخواهد بود. بنابراین اولین قربانی این وضعیت بودجه عمرانی کشور است. پس از آن نیز در صورت لزوم احتمالا نوبت بودجه جاری دستگاه‌ها و مواردی مانند خرید تجهیزات یا بودجه تحقیقات و توسعه و مانند آن خواهد بود و با این حساب، اگر سال گذشته تخصیص اعتبارات در حد ۷۰ درصد بود، ممکن است امسال این مقدار به ۵۰ درصد برسد.

آسیب به طبقه متوسط

احمد امینی‌خواه، کارشناس اقتصادی، در پاسخ به این سؤال «شرق» که لغو معافیت‌های تحریم نفتی چه تأثیری بر اقتصاد ایران خواهد داشت، گفت: این اتفاق مانند یک شوک به اقتصاد ایران وارد شد و چه از نظر اعتماد کلی نسبت به آینده و چه از جهت کاهش درآمدهای دولت بر اقتصاد ایران اثر خواهد گذاشت. دولت در قانون بودجه پیش‌بینی فروش ۱.۵میلیون بشکه را در نظر گرفته که اگر این عدد به ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار بشکه در روز برسد، باعث کسری بودجه بزرگی خواهد شد. بنابراین اگر دولت فقط بخواهد از هزینه‌های خود بکاهد، نیز مجبور به چاپ پول بدون پشتوانه خواهد شد که باعث شوک‌های شدید در بازار خواهد بود.

این کارشناس اقتصادی افزود: کارشناسان نفتی اغلب معتقد بودند امکان ندارد این معافیت‌ها به دلیل هزینه‌های بسیار بالای آن برای بازار جهانی نفت و همچنین خریداران نفت ایران تمدید نشود اما دولت آمریکا این قمار را انجام داد و شاهد اثرش بر بازار جهانی نفت هستیم. امینی‌خواه درباره اثرات کاهش درآمد نفتی دولت گفت: همان‌طور که گفتم، احتمالا ما با پول کاغذی روبه‌رو خواهیم شد که دولت مابازای آن دارایی ندارد که بتواند از قیمت ریال خود حمایت کند. این مسئله باعث می‌شود سرعت گردش پول بالاتر برود و با توجه به کاهش اعتماد بازار، علاقه به نگهداری سپرده‌های ریالی کاهش پیدا می‌کند که نتیجه آن یک چرخه نامطلوب افزایش قیمت‌ها خواهد بود. بنابراین اگر این اتفاق بیفتد، شاهد افزایش تورم خواهیم بود و ممکن است مانند آنچه در سال ۹۷ رخ داد، شاهد تورم دورقمی در سال ۹۸ نیز باشیم. این افزایش قیمت‌ها ابتدا بازار سکه و ارز را تحت تأثیر قرار خواهد داد و سپس موج آن به بورس خواهد رسید. پس از آن نیز شاهد افزایش قیمت‌ها در بازار املاک خواهیم بود.

این کارشناس اقتصادی درباره راهکارهای دولت برای خروج از این وضعیت، گفت: دولت در حال حاضر قصد دارد عملیات بازار باز انجام دهد و با چاپ اوراق قرضه با سررسید بلندمدت، این امکان را فراهم کند که بانک‌ها و احتمالا بانک مرکزی این اوراق قرضه را خریداری کنند و این کار به نوعی به دولت کمک کند تا کاهش درآمد نفتی خود را تا حدی جبران کند، اما این هم یک سیاست خطرناک است که اگر به‌درستی اجرا نشود، می‌تواند اثرات تورمی را تشدید کند.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: فعلا تا آنجا که می‌دانیم، تنها راهی که به ذهن دولت رسیده همین انتشار اوراق قرضه و تأمین مالی از بانک‌ها بوده است که اگر بتواند به میزان کافی این اوراق را به بانک‌ها بفروشد، می‌تواند کاهش درآمدش را جبران کند اما اگر نتواند این اوراق را به بانک‌ها بفروشد، لاجرم بانک مرکزی این اوراق را خواهد خرید که این اقدام نیز منجر به چاپ پول بیشتر خواهد شد. امینی‌خواه در پایان گفت: اگر سیاست آمریکا برای کاهش شدید صادرات نفت ایران به نتیجه برسد، طبقه متوسط آسیب شدیدی خواهد دید و سطح رفاه عمومی جامعه نیز کاهش قابل توجهی خواهد داشت.

دیدار در هانوی و مأموریت فراموش‌شده اروند

محمد علی عسکری . کارشناس بندری

از هفته دوم فروردین امسال، استان‌های گلستان و سپس لرستان با موجی از بارش و سیلاب‌هایی مواجه شده‌اند که در دهه‌های اخیر، کمتر سابقه داشته است. موج فزاینده این سیلاب از روزهای پایانی تعطیلات نوروزی به استان خوزستان رسیده که مناطقی از شهرستان‌های شوشتر، اهواز، دشت آزادگان، شوش، حمیدیه، کارون و شادگان به‌شدت متأثر از این سیلاب شده‌اند.

تاکنون ۲۳۰ روستا در خوزستان تخلیه شده است و ۴۷ اردوگاه اسکان اضطراری در شهرهای باوی، شوشتر، اهواز، الهایی، شوش، دشت آزادگان، هویزه، شادگان، کارون، بستان و حمیدیه تدارک دیده شده است. بااین‌حال از روز پنجشنبه، استانداری خوزستان به دلیل احتمال وقوع «مد» در اروندرود و کارون، از روز شنبه، به مدت سه روز در شهرهای آبادان، خرمشهر و شادگان «حالت فوق‌العاده» اعلام کرده است.

در همین بین، مدیرعامل سازمان بنادر و دریانوردی که علی‌الاصول متولی لایروبی کارون و اروندرود و پیامدهای ناشی از سرریزشدن این رودها در جاده‌ها و معابر عمومی است، به همراه دو نفر از معاونان سازمان، در بازدید از بنادر «های فونگ» و «لکهوین» ویتنام به‌سر می‌برند.

حال آنکه انتظار عمومی از ایشان و نهاد تخصصی سازمان بنادر این بود که در وضعیت فوق‌العاده استان‌های خوزستان و گلستان و بی‌خانمان‌شدن صدها نفر از هم‌وطنان ما در این مناطق سیل‌زده، ایشان به همراه دیگر نهادهای مسئول مانند وزارت کشور، نیرو، سپاه و ارتش این روزها در خوزستان حضور داشته باشند، اما ایشان ترجیح داده‌اند که در چنین وضعیت بحرانی‌ای به سفر خود در ویتنام ادامه دهند.

اگرچه در روزهای پیش از آن نیز، این سازمان نسبت به سیلاب گلستان و مخصوصا خوزستان کمتر مسئولیتی را متوجه خود دانسته است. حال آنکه، دست‌کم مسئولیت مربوط به بخشی از عدم لایروبی ۴۰ ساله رود کارون و اروندرود در خوزستان برعهده سازمان بنادر و دریانوردی است.

مسیری که روزگاری مهم‌ترین دادوستد تجاری ایران بود، از زمان وقوع جنگ با عراق و حتی پس از قطع‌نامه ۵۹۸ بنا بر اختلافات باقیمانده فیمابین به امان خدا رها شده است.

واقعیت این است؛ چنانچه مدیریت محترم سازمان و دیگر مدیران‌عامل سازمان در این سال‌ها، تنها ۱۰ درصد از مأموریت خود را به‌جای دیدوبازدیدها، سمینارها و سفرها به این امر اختصاص می‌دادند، حالا شاهد چنین فجایع ویرانگری در خوزستان نمی‌شدیم. اگر در این ۴۰ سال واقعا تلاش دلسوزانه‌ای انجام می‌گرفت، چنین بندری با آن عظمت رو به افول نمی‌رفت و به تبع آن هزاران نفر در چنین سیلابی بی‌خانمان نمی‌شدند.

بااین‌حال، این جای تعجب است که با وجود اعلام وضعیت فوق‌العاده برای شهرهای آبادان و خرمشهر، مدیرعامل سازمان بنادر و دریانوردی برای یک مأموریت اداری به بازدید از ویتنام رفته‌اند.

ایشان با چه مجوزی بازدید از بنادر ویتنام را در اولویت کاری خود قرار داده‌اند؟ آیا وزیر راه و شهرسازی چنین مجوزی داده‌اند؟ چنانچه این مجوز از سوی وزیر یا رئیس‌جمهور صادر شده باشد، بودجه این سفر در چنین شرایطی از کجا تأمین شده است؟ در وضعیتی که فرماندهان نظامی سپاه و ارتش، کمیته امداد و هلال‌احمر در حال امدادرسانی هستند، چگونه مدیرعامل یک سازمان تخصصی دریایی در یک سفر خارجی به‌سر می‌برد، درحالی‌که بسیاری از رودها، کانال‌ها و سدها نیاز به لایروبی دارند؟ چه ضرورتی به چنین سفری در چنین شرایطی داشت؟ اساسا کشور ویتنام در معادلات روابط تجاری ایران چه سهمی دارد؟ چنانچه این بازدید در چنین وضعیت بحرانی‌ای ضروری بوده، چه عایداتی برای بنادر کشور خواهد داشت؟

بااین‌همه، با وجود چنین دیدوبازدیدهای غیرضروری، این نافی مسئولیت سازمان بنادر نیست که در چنین وضعیت اسفباری دوشادوش مردم آواره و بی‌خانمان نبوده باشد.

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد/ زمانه را سند و دفتری و دیوانی است/ کسی ز درد من آگه نشد، ولیک خوشم/ که چند قطره خونم، بدست و دامانی است

خبر

پنجمین جلسه رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده تعاونی‌های البرز ایرانیان و ولیعصر

پشت‌پرده ارتباط استاندار سابق با پرونده البرز ایرانیان

• نماینده دادستان در پنجمین جلسه رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده تعاونی‌های البرز ایرانیان و ولیعصر گفت: اینکه آقای آزاد می‌گفتند پدر من هیچ نقشی نداشته است. در اینجا مشخص می‌شود آقای آزاد و قریانی مؤسسه فردوسی را در شهرستان‌های ایلام و همدان قرار می‌دادند که پدر او سابقا استاندار بودند و همه اینها بیانگر روابط پشت‌پرده‌ای است که در این مؤسسه بوده و سپرده‌ها اخذ شده و مردم آسیب دیده‌اند.

به گزارش میزان، در ابتدای پنجمین جلسه دادگاه، قاضی صلواتی با قرائت ماده ۳۵۲، ۳۵۴ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری از نماینده دادستان خواست در جایگاه حاضر شود.

آقامیری، نماینده دادستان، درباره دفاعیات متهم امیرحسین آزاد گفت: آقای آزاد در جلسه قبل عنوان کردند که اموالی، از جمله ملک ۵۰ میلیاردی پاسداران و خودروها برای خودشان نیست و برای مؤسسه است، اما در اینجا این سؤال مطرح است که چرا این اموال به نام خودتان شده.

وی ادامه داد: آقای آزاد چگونه توقع دارد برای مؤسسه‌ای که اهلیت تمتع ندارد مجوز صادر کند، آقای قریانی در اظهارات خود بیان کرده است که مهلت ساماندهی مؤسسات اواخر سال ۸۹ بوده است، اما نامه‌ای که آقای پورمحمدی برای ادغام و ساماندهی صادر کرده مربوط به تاریخ ۹۷/۳/۲۳ بوده است.

آقامیری تصریح کرد: علت عدم اعطای مجوز از سوی بانک مرکزی به دلیل این بود که مؤسسه شما از ریشه با خلاف ثبت شده بود، ضمن اینکه مؤسسه البرز ایرانیان هیچ‌گونه فعالیتی نداشته است و یک تعاونی روستایی و متروکه بوده، اما شما تصویری به رسانه‌ها نشان دادید مبنی‌بر اینکه بانک مرکزی به شما مجوز داده است. حال این سؤال مطرح است که آیا بانک مرکزی مجوز برای ساماندهی داده بود یا برای جذب سپرده؟

نماینده دادستان با اشاره به دفاعیات متهم آزاد مبنی‌بر اینکه هزینه سفرهای تفریحی و خرید خودروهای لوکس از پول‌های خودش بوده است، گفت: شما بیان کردید که بیشتر از دو میلیارد اموال نداشته‌اید. چطور ممکن است اموال شما در این دو سال به ۵۰ میلیارد و ۱۰ برابر افزایش پیدا کند.

آقامیری گفت: ما هنوز نمی‌دانیم تسهیلات کجا رفته است. شما ظرف یک روز ۶۵ عدد تسهیلات داده‌اید که هیچ‌کدام بازپرداخت نشده و معضلی که با آن مواجه هستیم این است که مشخص نیست این تسهیلات را به چه کسانی داده‌اید. شما با این تسهیلات اقدام به پول‌شویی کرده‌اید که منشأ این پول‌ها مفقود شود.

نماینده دادستان تصریح کرد: شما بیان کردید که عده‌ای، از جمله آقای پورمحمدی و دیگر افراد تخلفاتی کرده‌اند. در اینجا باید بگویم که پرونده آنها مفتوح و در دادسرا در حال رسیدگی است.

در ادامه، نماینده دادستان بیان کرد: صحبت‌های شاهد بیانگر ماجراست و اینکه آقای آزاد می‌گفتند پدر من هیچ نقشی نداشته است. در اینجا مشخص می‌شود آقای آزاد و قریانی مؤسسه فردوسی را در شهرستان‌های ایلام و همدان قرار می‌دادند که پدر او سابقا استاندار بودند و همه اینها بیانگر روابط پشت‌پرده‌ای است که در این مؤسسه بوده و سپرده‌ها اخذ شده و مردم آسیب دیده‌اند.

در ادامه، متهم قریانی در جایگاه به اذن قاضی حاضر شد و ضمن معرفی خود گفت: متولد ۵۴، فرزند حسین و دارای سابقه کیفری نیستم و دانشجوی دکترا هستم.

قاضی صلواتی درباره سابقه کاری او پرسید. وی جواب داد در حوزه تعاون و امور بانکی در صندوق تعاونی کشور و بانک توسعه تعاون کار کرده‌ام.

قاضی صلواتی بعد از تفهیم اتهام خواست تا متهم دفاعیات خود را بیان کند.

این متهم ادامه داد: زمان و نحوه شروع فعالیت من در کیفرخواست ذکر شده است که باید بگویم شروع به اقدام مربوطه در سال ۱۳۸۹ در شرکت لیزینگ مهر بود. ما چند تعاونی اعتبار را بررسی کردیم و در نهایت تعاونی اعتبار البرز ایرانیان مورد گزینه بود. من در بازپرسی فراموش کرده بودم که ما حساب مشترک با سه امضا در سال ۸۹ باز کردیم که در آن قرارداد اول منعقد می‌شود و چک‌ها و شماره چک‌ها مربوط به حساب جاری مشترک است.

متهم ادامه داد: من از مهر ۹۳ حضور نداشتم و خواهش می‌کنم بررسی شود دستور واریز این مبلغ را چه کسی صادر کرده است؟ من از شرکت خارج شده بودم و یکی از موارد تسویه‌حساب آپارتمان پدر آقای آزاد است؛ یعنی او آن‌قدر آگاه نیست و در جریان نبود؟ بنابراین من هشت میلیارد تومان را قبول دارم، اما دستور واریز آن را نداده‌ام، چون نبوده‌ام که این کار را بکنم. آنها می‌خواهند این‌گونه جلوه دهند که من پول را خارج کرده‌ام و از محضر دادگاه می‌خواهم به‌خاطر اعاده حیثیتم دراین‌باره حسابرسی دقیق انجام شود.